

متن پرسش

سلام خدمت استاد بزرگوار: فردی هستم ۴۷ ساله که جوانی خود را در گناه و غفلت تباه کردم چندی پیش با مسائلی که برایم پیش آمد متوجه شدم که چه بلایی در اثر غفلت ب سرم آمده است. ناامیدی شدیدی از رحمت خدا در وجودم هست زیرا زمینه های بسیاری از گناهایی که مرتکب شدم در اثر افزایش سن و اقتضای سنی از بین رفته و به افرادی ظلم کرده ام که دیگر در قید حیات نیستند بدیهی است در اینجا دیگر توبه و عدم تکرار گناه معنایی ندارد فقط من مانده ام و آثار وضعی گناهانم و حسرت روزهای تباه شده. شنیده ام و دیده ام انسان حتی اگر توبه و استغفار هم بکند باید در آتش آثار گناهانش بسوزد و ناامیدی من هم به همین دلیل است. از طرفی یقین دارم که از حکومتش نمی توان فرار کرد و تنها اوست که می تواند وضعیت را درست کند و از طرفی چند سال است که آه و ناله هایم به جایی نرسیده است و لحظه لحظه زندگیم تحت تاثیر گناهانم مانند جهنم شده است. چند وقتی در اثر ناامیدی و افسردگی شدید نمازم را ترک کردم امروز طاقت نیاوردم و در حال گریه نمازم را خواندم ولی در این فکر بودم که این نماز چه فایده دارد آب رفته که بجوی باز نمی گردد. نمی توانم از فکر گذشته سیاهم خارج شوم. میل شدیدی به خودکشی دارم. دیگر دنیا و آخرت برایم معنا ندارد. من از الان وارد جهنم شده ام بقول شاعر: اگر ز دست بلا بر فلک رود بدخوی / ز دست خوی بد خویش در بلا باشد. بدتر از اینها برخی بداخلاقیها در گذشته داشته ام و بعضی افرادی که از آن اطلاع دارند دائم آن را یادآوری می کنند و نمی گذارند فراموش کنم با این افراد باید چطور برخورد کنم؟ آیا این افراد مامور خدا هستند برای عذاب و این هم صورت دیگری از عذاب خداست؟ سوالم اینست که من رحمت و بخشایش خدا را در رفع آثار وضعی گناهانم می دانم آیا این فکر اشتباه است اگر نه باید چکار کنم تا از این جهنم خود ساخته خلاص شوم؟ از اینکه مصدع اوقات شدم معذرت می خواهم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا را شکر کنید که نور توجه به زشتی گناه در قلب شما افتاده است. قرآن خطاب به ما انسان ها که گرفتار چنین شرایطی شده ایم می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو (ای پیامبر) ای بندگان من که بر خودتان اسراف در گناه انجام داده اید (هرگز) از رحمت خدا ناامید نشوید چرا که همانا خداوند می آمرزد گناهان شما را بطور کل و همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. در بعضی از احادیث ما وارد شده است که وقتی این آیه نازل شد شیطان رجیم از خشم و عصبانیت آنچنان صیحه

و شیونی سرداد که به حالت غش در آمد و گفت با نزول این آیه من نا امید و بیچاره شدم و خداوند با این آیه کمر مرا شکست چرا که هر چه من در گمراهی و ضلالت انسان تلاش نموده و آنها را به گناه و معصیت وادار نمایم خداوند با این آیه به همه آنها وعده آمرزش و بخشش داده است. اگر کسی به نکات ظریف این آیه دقت کند نهایت مهرورزی و عطوفت خالق یکتا را نسبت به بندگان مشاهده خواهد کرد و ما تنها به چند نکته اشاره می کنیم.

۱. تعبیر به (یا عبادی) آغازگر لطفی بی نهایت و مهربانی عظیم از ناحیه پروردگار است به کسانی که با گناه و معصیت خودشان را از عبودیت خدا خارج کرده اند.

۲. جمله (لا تَقْنُطُوا) آنچنان امید و نشاطی در بندگان خدا ایجاد می کند که عشق و محبت بنده را به گوینده این جمله ازدیاد می بخشد.

۳. جمله (مِنْ رَحْمَةٍ) بیانگر نهایت مهر و کمال عطوفت و مهربانی با خدا را به بندگان می رساند.

۴. جمله (ان الله یغفر الذنوب) وعده ای را از سوی خداوند به بنده اش می دهد که بیانگر رساندن بنده به مقام عفو و بخشش ربوبی است.

۵. جمله (جمیعا) تاکید بر این عفو و بخشش است آن هم نه فقط راجع به یک یا چند گناه بلکه راجع به همه گناهان.

۶. جمله (غفور الرحیم) در حقیقت مهر و امضاء خداوند بر این وعده است که همانا این همه لطف و رحمت از منبع و سرچشمه کسی بسوی بنده سرازیر شده است که خودش هم غفور و آمرزنده است و هم رحیم و مهربان.

آنچه امید را فراوان و جبران گناه را آسان می کند، دستوری است که به ما داده اند تا برای آنهایی که مورد ظلم ما قرار گرفته اند و فعلاً دسترسی به آنها نداریم تا از آنها حلالیت بطلبیم، استغفار کنیم موفق باشید